



احمد غلامی

برای هر تغییر سیاستی در جامعه باید به سوی «سیاست اقلیت» گام برداشت. سیاست اقلیت از کنش خلاقانه در دل «سیاست اکثریت» شکل می‌گیرد. وقتی از سیاست اقلیت حرف می‌زنیم، قصدها خرد اقلیت‌های قومی، بومی و ملی نیستند. در واقع این سیاست به اقلیت خاصی تعلق ندارد. سیاست اقلیت یعنی سیاستی که می‌تواند پوسته سخت سیاستی را که همونیک شده و به جریان غالب درآمده، بشکافد و از نو سیاستی تازه بیافریند. منظور از سیاست اکثریت، حکومت یا دولت نیست. دست بر قضا، چهره‌های سیاسی هستند که با انتقادهای تندتیز به حکومت و دولت به جریان غالب تبدیل شده‌اند؛ چهره‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی شب و روز در حال گفت‌وگو، مناظره و سخنرانی‌اند و طرفه آنکه قادر نیستند حتی کوچک‌ترین تغییری در وضعیت سیاسی و جامعه ایران به وجود بیاورند. اینک این چهره‌ها به سلب‌بیتی‌های سیاسی تبدیل شده‌اند که کارشان کلایی کردن سیاست و تقویت سیاست اکثریت است. آنان با انتقادهای رایج، منتقدان خدمتگزار وضع موجود شده‌اند و بیش از هر چیز رقیب جدی اپوزیسیون خارج از کشور هستند و سیاست‌ورزی‌شان موجب شده تا حقایق اپوزیسیون خارج از ایران رنگی نداشته باشد. در مجموع این اپوزیسیون‌ها در کار بازتولید و کلایی کردن سیاست هستند؛ آن‌ها هم کلایی و بنجل که نمی‌توانند جامعه سیاسی ایران را متأثر کنند یا برانگیزد. این سیاست اکثریت که رتوریک (خطابی) است، هدفش در کنار ایجاد هم‌صدایی با مردم، تظهِیر و بازنویسی تاریخ زیسته این چهره‌های سیاسی است و از این رو است که در آن مفهومی خلق نمی‌شود. اگر در سیاست مفهومی تولید نشود که با وضعیت بغرنج و دردناک توده‌ها جفت‌بوست شود، هیچ اتفاقی رخ نداده است. تولید و خلق مفاهیم سیاسی و تکرار آن به‌عنوان یک ایده نو می‌تواند مردمی را شکل دهد که در موقعیت‌های حساس کارساز باشند. سیاست اکثریت، رتوریک و واکنش‌گر است. منتظر است اتفاقی رخ بدهد تا در برابر آن اتفاق موضع‌گیری کند و به بحث و مناظره بنشیند. فضایی برای از مجادله که امر نو و خلاقیتی در آن وجود ندارد. اکنون این چهره‌ها در رسانه‌ها خاصه در رسانه‌های اجتماعی دست بالا را دارند و واکنشگران عرصه میدان سیاست‌اند و حرف‌های کهنه را در شمایل دیگری بازتولید می‌کنند. چهره‌های سیاست اکثریت حرف‌ها هستند و حرف‌های قاتل معناست و همچون عنکبوتی که مفاهیم به تورش افتاده، مفاهیم را از معنا تهی می‌کند. سیاست اقلیت برخلاف این شیوه، کم‌کم و کنشگر است و درصدد خلق مفاهیم و مردمی تازه است تا سیاست را از بن‌بست‌های موجود خلاص کند. با حرف‌های سیاسی، گیرم همراه با انتقادهای تندتیز، سیاست از انفعال خارج نخواهد شد. این زبان و مفاهیم تازه هستند که در پوسته صلب سیاست شگاف می‌اندازند. در گفت‌وگوها، در مناظره‌ها، در مجادله‌ها و در یک کلام در تکرار مکررات حرف‌های سیاسی می‌توان خیلی چیزها را گفت و پنهان کرد. معمولاً سیاست اکثریت زمانی به عرصه سیاسی می‌آید و لب به سخن باز می‌کند که تحولات سیاسی دچار شکست و بی‌معنایی شده باشند. اگر به اتفاقات ۱۴۰۱ بازگردیم و چهره‌های کنونی را در سیاست اکثریت واکاوی کنیم، خواهیم دید که آنان در آن زمان قادر نبودند از وضعیت به‌وجودآمده تحلیل درستی داشته باشند. گاه در کنار مردم بودند، گاه جلوتر از آنها، گاه در پشت سرشان و گاه در دالان‌های سیاست‌بازی توصیه به آرامش می‌کردند و گاه در سکوت‌های طولانی سیرو می‌رفتند تا عیان نشود شرایط به کدام سمت می‌چرخد و می‌چرخد. در آن زمان، اگر چهره‌های سیاسی منتقد سلب‌بیتی بودند، ناگزیر بودند مواضع شفاف خود را اعلام کنند. آنان خوش‌اقبال بودند که سلب‌بیتی‌های سنیمنایی، تلویزیونی و ورزشی در آماج مطالبه‌گران قرار داشتند و هر یک از آنان آزمون سختی را پشت سر گذاشتند. بسیاری از آنان از پس این آزمون برنیامدند و مطرود شدند. آیا می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که بعد از شکست سلب‌بیتی‌های هنری-ورزشی، این سلب‌بیتی‌های سیاسی هستند که یا به میدان گذاشته‌اند و این روزها بیش از هر زمانی مخاطبان را مجذوب خود می‌کنند؟ اگر سلب‌بیتی‌های هنری از پس اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸ سرآوردند، سلب‌بیتی‌های سیاسی یک سال پس از وقایع ۱۴۰۱ به این قیا درآمده و هر روز بیش از گذشته در این میدان تماشایی و به جریان غالب تبدیل شده‌اند. در این میان، برخی چهره‌های سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب وجود دارند و در کنار آنها چهره‌های سیاسی غیر حزبی و دانشگاهی دیده می‌شود.

شنبه ۱۴۰۳ آذر ۱۴۰۳
۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶
۷ دسامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۹۳
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

در «شرق» امروز می‌خوانید: یحیی؛ نماد نسل نو • محمدجواد ظریف؛ بدون دلواپسی و نگرانی زمان خود را وقف آبادانی کشور کرده‌ایم • بی‌تابی پرسپولیس برای صدرنشینی در ایران

«شرق» نشست وزرای امور خارجه ایران، ترکیه و روسیه به میزبانی قطر را بررسی می‌کند

«آستانه» در آستانه شکست؟!



اردوغان روز جمعه با اشاره به اینکه هدف تروریست‌ها دمشق است، مطالبی را با نگاه به اسد بیان کرد که به وضوح دو قطبی اردوغان-اسد را آشکار می‌کند

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: APF

یک قاب تجربه

قانون عفاف و حجاب از زاویه‌ای دیگر



جلیل سازگارنژاد

یکی از وظایف و مسئولیت‌های مهم مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد کشور پیشگیری، کنترل و حل بحران‌هاست. در مرحله پیشگیری که مهم‌تر از دو بخش دیگر است، انجام پژوهش‌های علمی و شناخت مشکلات اثبات‌شده که احتمال تبدیل آنها به بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وجود دارد، از ضروری‌ترین اقداماتی است که باید مراکز ذی‌ربط و مؤسسات تحقیقاتی مانند مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و... به آن همت گمارند. در مرحله کنترل نیز آموزش مجریان و کارشناسان مسئولی که در مواجهه میدانی با وقوع بحران هستند، نیز واجد اهمیت فراوان است و در مرحله حل بحران مدیریت علمی و تجارب موجود از محیط‌های پیرامون در داخل و خارج از کشور به مدیران کمک می‌کنند تا با بهترین تصمیم و کمترین هزینه و در کوتاه‌ترین زمان ممکن بحران را مهار و از تشدید و تکثیر آن جلوگیری کنند. تجربه بحران‌های اجتماعی و سیاسی در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و روش‌های کنترل و مقابله با آنها بسیار پندآموز است. در استان‌هایی که مدیران عاقل، مجرب و مشاوران آگاه و دلسوز وجود داشتند، تا اندازه‌ای بحران‌ها کنترل و مدیریت شد و در مناطقی که مدیران کم‌تجربه و ناکارآمد حضور داشتند، خسارت‌های جانی و مالی فراوانی به وجود آورد و مانند زخم‌های کهنه در کالبد جامعه باقی ماند. در آخرین تجربه از این دست و به‌عنوان بارزترین مثال در حادثه و بحران غم‌انگیز جان‌باختن خانم مهسا امینی در سال ۱۴۰۱، مهار و مدیریت به‌گونه‌ای پیش رفت که موضوع در کوتاه‌ترین مدت به یک بحران فراگیر اجتماعی تبدیل شد و زبان‌های جانی و حیثیتی بزرگی را به مردم کشور وارد کرد. اینک در این روزهایی که مردم شریف و نجیب ایران با مشکلات پیچیده اقتصادی و کشور در منطقه پر بحران خاورمیانه با شرایط دشواری مواجه هستند، بار دیگر موضوع قانون عفاف و حجاب جبهه جدیدی را در عرصه مشکلات و بحران‌های کشور گشوده و امنیت روانی جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. در چنین شرایط سختی فارغ از اینکه موضوع حجاب امری است اعتقادی یا اخلاقی و عرفی که بین فقها و صاحب‌نظران و اندیشمندان و علمای دینی در مصداق و ضرورت ترویج یا مبارزه با آن اختلاف نظر جدی هست و اینکه قانون مذکور خوب است یا بد؟ مفید است یا غیرمفید؟ یا قانون اساسی انطباق و ارتباط دارد یا ندارد؟ عملی و اجرایی است یا خیر؟ قابلیت تبدیل شدن به یک بحران و تنش اجتماعی را

خواهد بود که مستعد ایجاد تنش اجتماعی است، زیرا این روش مواجهه با موضوع حجاب بیش از هر امر دیگری انسان و کرامت انسانی را به‌عنوان برترین آفریده خلقت، هدف قرار داده است. ۲. اما از جنبه‌های دیگر نیز این پرسش‌ها مطرح است که طراحان و مجریان، چند آثار فاخر فرهنگی و هنری را در این زمینه عرضه کرده‌اند. چه قدر با زنان و مردان مخاطب در کشور به گفت و شنود نشسته‌اند. چه میزان به شنیدن افکار و باورها و دغدغه‌های آنان گوش فراداده‌اند. چه زمینه‌ای برای بحث آزاد در این زمینه فراهم کرده‌اند. کدام چهره‌های عالم و عامل و موجهی از سوی حاکمیت با مردم در این باب سخن گفته و سخن مردم را شنیده است. کدام باران رحمتی آورده و بذر محبتی کاشته‌اند که اینک در انتظار ثمره شیرین آن هستند، چقدر آموزش‌های تربیتی اجتماعی و خردمندانه را در مراکز علمی و فرهنگی و آموزشی به کار گرفته‌اند که امروز پاسخ آن را در زمینه قانون مطالبه می‌کنند. ۳. اما بر فرض محال از طریق این قانون با محدودسازی کارکنان دولت (که البته آثار نامطلوب روحی و روانی آن در ارائه خدمت به مردم مؤثر خواهد بود)، ممنوعیت ارائه خدمات به این دسته از مردم، بستن مراکز کسب‌وکار و... موفق شدید؟ چه فتحتی کردید، کدام قلب را به سوی خود جذب خواهید کرد؟ به یاد داشته باشیم که در آخرین آزمون ملی بین مردم و نظام در انتخابات ریاست جمهوری تیرماه نزدیک به نیمی از واجدان شرایط در پای صندوق رای حاضر نشدند تا ناراضی‌هایی خود را از چنین سیاست‌ها و برنامه‌ها و قوانینی اعلام کنند. بدون تردید اجرای قوانینی از این دست موج جدید ناراضی‌ها و دورکردن را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر پیامدهای گسترش چنین روش‌هایی که برای حذف یک منکر به کار گرفته می‌شود، متأسفانه چند منکر جدید مانند ریا و نفاق و... را به ارمغان می‌آورد. اینک با تأکید بر این گزاره که «دفع خطر احتمالی عقلا واجب است» پیشنهاد می‌شود اگر برای رئیس‌جمهور امکان به فرزندوم گذاشتن این قانون فراهم نیست، حداقل با انجام یک نظرسنجی گسترده و معتبر دیدگاه مردم درباره اجرای قانون یادشده را جویا شود و سرانجام به قول مشاور معنوی ملت ایران، حافظ بزرگ: درخت دوستی بنشان که دام دل به بار آرد، نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

برگزیده‌ها

فرانسه دنباله‌روی آلمان

قدرت‌های اروپا در بحران

تکذیب نادرست وزیر آموزش و پرورش درباره ادغام کانون پرورش فکری

اجرای دستور پزشک یا توجه به توصیه نماینده بانفوذ مجلس؟

گفت‌وگوی «شرق» با بهروز شیخ‌رودی کارشناس مالیه و اقتصاد شهری

نمایش شفافیت در بهشت

گزارش «شرق» از افزایش مصرف ماری‌جوآنا و سیگار در بین دانش‌آموزان

مدارس، منفعل‌تر از همیشه

نگاه

چگونه می‌توان مدیریت ناکارآمد را ساختار راتی رفع کرد؟

مهیار ناکارآمدی

یادداشتی از علی حاجی‌قاسمی

یادداشت

امت یا ملت؟



مهرداد احمدی‌شیخانی

پیش از انقلاب و در سال‌های نوجوانی بود که با مفهوم «امت» و عبارت «امت واحده» آشنا شدم. مفهومی دینی و اعتقادی که ورای مرزهای سیاسی، با پیوندی جهانی، معتقدان به یک آیین خاص را گرد هم می‌آورد و آنان را زیر یک پرچم، هویتی واحد می‌بخشد. برای ما جوانان مذهبی، این معنا بسیار بارانگیز بود؛ به‌ویژه که در آن ایام که جهان، جهان ایدئولوژی و ایسم‌ها و مکاتب سیاسی مبارز بود و چپ سیاسی و به‌خصوص مارکسیسم، از شرق تا غرب به‌عنوان اندیشه مبارزه با امپریالیسم، هواخواه بسیار داشت و شور می‌آفرید. برای ما، این مفهوم امت و امت واحده بدیلی بود در مقابل «انترناسیونال» مارکسیست‌ها و جریان‌ها؛ چه، به‌خصوص که ما این معنا را بسیار قدیمی‌تر می‌دیدیم و معنای امت واحده را بسی ریشه‌دارتر از انترناسیونالی که آنها مدعی و مدبعض بودند. خلاصه اگر آنها انترناسیونال داشتند، ما هم امت واحده داشتیم. این گذشت تا انقلاب پیروز شد و ما مذهبی‌ها زمام امور را به دست گرفتیم و حالا ما بودیم این معنای دیرین امت که به آن افتخار می‌کردیم و عِلْم میسازدهای جهانی که ذیل مفهوم امت واحده برافراشته بودیم و آن را تبلیغ می‌کردیم و بیرونی قسم‌خورده هم داشت.

انتشارات شرق منتشر کرد



ادامه در صفحه ۵